

## مطالعه نمونه‌هایی از پیکرک‌های سفالی زنان

### در ادوار سلجوقی و ایلخانی

سید هاشم حسینی<sup>\*۱</sup>

#### چکیده

پیکرک‌های گلی و سفالین زنان جزء نخستین آثار هنری بشر در اعصار پیش از تاریخ محسوب می‌شوند که ساخت آن‌ها با تغییراتی خاص تا دوران اسلامی نیز تداوم یافته است. پیکرک‌های سفالی مزبور، که گونه‌های مختلفی از تکنیک‌های ساخت و تزیین هنر سفالگری اسلامی را دربرمی‌گیرند، اغلب در شهرها و مراکز مهم سفالگری ایران ساخته شده‌اند. از مهم‌ترین ادوار ساخت این پیکرک‌ها می‌توان به ادوار سلجوقی و ایلخانی مقارن با قرون پنجم تا نهم هجری اشاره کرد که با توجه به منع ساخت پیکرک و مجسمه در دوران اسلامی، دلایل و انگیزه‌ها و نیز منابع الهام‌بخش ساخت این پیکرک‌ها در دوره‌های مزبور جای تأمل دارد. موضوع پژوهش کنونی بررسی و تحلیل تعدادی از پیکرک‌ها در کلیه ابعاد تکنیکی و مفهومی است. هدف اصلی مقاله، بررسی و شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های پیکرک‌های سفالین مزبور به همراه طبقه‌بندی آن‌هاست. روش پژوهش انتخابی، با توجه به نوع موضوع و هدف، تلفیقی از روش‌های توصیفی، تاریخی، و مقایسه‌ای است. در همین زمینه، ده عدد از نمونه‌های شاخص پیکرک‌های سفالین زنان در ادوار سلجوقی و ایلخانی، فارغ از تعلق به سبک یا گونه‌ای خاص، از بین آثار موجود در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی انتخاب و از منظر شیوه ساخت، تزیین، کاربرد، فرم، اهداف ساخت، منابع الهام‌بخش، و... بررسی، طبقه‌بندی، و تحلیل شده است. بنابر یافته‌های پژوهش، پیکرک‌های سفالی زنان در ادوار مزبور، به‌خصوص دوره سلجوقی، تحت تأثیر عوامل مختلفی ساخته شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به تأثیر سنت‌های هنری پیش از اسلام، تأثیر نظام قبیله‌ای، تأثیر برخی از شخصیت‌های زن ادبیات ایران، به علاوه تأثیر صور فلکی با نماد مؤنث اشاره کرد. همچنین توجه به نقش‌ها و کارکردهای زنان به جای تمرکز بر ویژگی‌های جنسیتی آن‌ها، از مهم‌ترین تفاوت‌های پیکرک‌های مزبور با نمونه‌های مربوط به اعصار پیش از تاریخ است.

#### کلیدواژگان

پیکرک‌های زنان، دوره‌های سلجوقی و ایلخانی، هنر سفالگری.

۱. استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی دانشکده مرمت دانشگاه هنر اصفهان  
H.hoseini@Aui.ac.ir تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۰

## مقدمه

پیکرک‌سازی یا مجسمه‌سازی از شیوه‌های قدیمی خلق آثار هنری از سوی بشر است که سابقه آن به قدیمی‌ترین اعصار پیش از تاریخی می‌رسد. با توجه به پیکرک‌های برجای مانده، نخستین نمونه‌های آن‌ها از جنس گل و بعدها گل پخته‌شده و اغلب بازتاب‌دهنده جنس مؤنث بالغ، همراه با اغراق در اندام‌های زنانه ایشان بود. با شروع دوران تاریخی، هر چند نمونه‌های متعددی از مجسمه‌های انسانی و از جنس‌های مختلف در تمدن‌های یونانی، مصری، و... ساخته شد، در این مقطع زمانی، ساخت پیکرک‌های گلی و سفالی زنان جایگاه باشکوه ادوار پیشین خود را از دست داد. هم‌زمان با این دوران، در تمدن ایرانی نیز، چندان به ساخت پیکرک‌های مزبور توجه نمی‌شد و به‌طور کلی هنر مجسمه‌سازی جایگاه شاخصی بین هنرهای مختلف نداشت. با شروع دوران اسلامی، به‌رغم عوامل بازدارنده متعدد، دوباره شاهد ساخت نمونه‌هایی زیبا و بدیع از مجسمه‌های انسانی از هر دو جنس زن و مرد هستیم که اغلب سفالی و توأم با تزیینات و رنگبندی‌های متنوعی است. مطالعات جامع و گسترده‌ای بر پیکرک‌های گلی و سفالی زنان در دوران پیش از تاریخ ایران و سایر مناطق جهان صورت گرفته و اطلاعات مفیدی نیز در این زمینه منتشر شده است، اما، بنا به دلایل مختلف، از جمله محدودیت تعداد آثار یا محدودیت نمونه‌های در دسترس، از پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی غفلت شده است؛ تا جایی که برخی افراد از وجود چنین نمونه‌هایی در هنر سفالگری دوران اسلامی بی‌اطلاع‌اند.

پژوهش پیش رو، به بررسی و تحلیل تعداد ده عدد از نمونه‌های شاخص پیکرک‌های سفالی زنان طی این دوران می‌پردازد که اغلب در قرون میانی اسلامی، مصادف با قرون پنجم تا نهم هجری، ساخته شده‌اند. پیکرک‌های مزبور، که در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی شامل موزه ملی ایران، موزه هنر لس‌آنجلس کانتی امریکا، موزه طارقرجبه کویت، موزه آشمولین انگلستان، و موزه برلین آلمان به علاوه مجموعه‌های خصوصی کریستی لندن و دیوید در کپنهاگ دانمارک نگهداری می‌شوند، از نمونه‌های فاخر و زیبای هنر سفالگری و پیکرک‌سازی دوران اسلامی به‌شمار می‌آیند. شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های تکنیکی و تزیینی پیکرک‌های مزبور و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با پیکرک‌های گلی و سفالی ادوار پیش از تاریخ از جمله اهداف این پژوهش است. پرسش‌های مهم قابل طرح در زمینه اهداف مزبور عبارت‌اند از: ۱. مهم‌ترین مراکز ساخت به علاوه منابع الهام‌بخش پیکرک‌های سفالین زنان در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی کدام‌اند؟ ۲. مهم‌ترین کاربردها، شیوه‌های ساخت و تزیین، و تفاوت‌های پیکرک‌های مزبور با نمونه‌های پیش از تاریخی چیست؟

روش پژوهش انتخابی برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، با توجه به ماهیت موضوع، تلفیقی از روش‌های توصیفی، تاریخی، و مقایسه‌ای است. در همین زمینه، پس از مروری مختصر بر تاریخچه مجسمه‌سازی، از ابتدا تا ظهور اسلام، به مطالعه وضعیت کلی ساخت پیکرک‌های

سفالی زنان در دوران اسلامی ایران می‌پردازیم و در ادامه نمونه‌های انتخابی را به لحاظ شیوه ساخت، تزئین، کاربرد، فرم، اهداف ساخت، منابع الهام‌بخش، و... بررسی، طبقه‌بندی، و تحلیل می‌کنیم. اما در ابتدا، نگاه مختصری به تاریخچه پیکرک‌های سفالی زنان از ادوار پیش از تاریخ تا قبل از ظهور اسلام می‌اندازیم.

### پیشینه ساخت پیکرک‌های زنان پیش از اسلام

بشر از زمانی که روی اولین دسته تبر سنگی خود نقشی را حکاکی کرد، مجسمه‌سازی را آغاز کرد و تا ساخت شکل‌های ماهرانه‌تری پیش رفت. ساخته‌های گلی او موجب ترس و بیمش شد؛ به نحوی که به آن‌ها خواص جادویی بخشید و به منظور مصون‌ماندن از اهریمن، طلسم و افسون را به وجود آورد. او حتی کوشید مرگ را با ساختن پیکره اشخاص مورد علاقه‌اش بفریبد تا پس از مرگشان جاودان بمانند. و برای اینکه در ورودش به جهان دیگر تنها نماند، شکل انسان‌ها را با گل ساخت تا در آرامگاهش همراه او باشند [۶، ص ۱].

از هزاره هشتم قبل از میلاد، پیکرک‌های رشدنیافته انسانی، که بیشتر زنانه هستند، از نقاط مختلف جهان، از جمله در ایران از محوطه‌هایی چون تپه آسیاب، تپه سراب، گنج‌دره، علی‌کش، چغاسفید و حاجی‌فیروز، به‌دست آمده است [۱۱، ص ۱۳۴]. یکی از این آثار، پیکره‌ای گلین است که از حفريات باستانشناسی و انسانشناسی دانشگاه شیکاگو، به سرپرستی رابرت بریدوود، در تپه سراب کرمانشاه، کشف شد که گفته می‌شود متعلق به شش هزار سال پیش از میلاد است (شکل ۱).

احتمالاً حالت نشسته این پیکره‌ها به ساکن‌بودن اشاره دارد و به زندگی یکجانشینی که سرآغاز تمدن و شهرنشینی است، مربوط می‌شود که این حالت وابستگی شدید به زمین را می‌رساند. حتی در مواردی که این پیکره‌ها به صورت ایستاده ساخته شده‌اند، مرکز ثقل آن‌ها بخش پایینی بدن و اندام‌های مربوط به باروری است. هر قدر اغراق در اعضای مربوط به زایش و باروری در این آثار جدی است، در ارائه چهره‌ها و ویژگی‌های فردی بی‌اعتنایی آگاهانه اعمال شده است [۲، ص ۷].

یکی دیگر از پیکره‌های قدیمی زنانه از تورنگ‌تپه در شمال ایران کشف شده است (شکل ۲). این پیکره، که از آن به‌عنوان الهه زیبایی و حاصلخیزی یاد می‌شود، در حدود سه هزار سال پس از ونوس ساخته شده است. از مقایسه این پیکره با پیکره سراب تفاوت‌های بسیاری مشاهده می‌شود که برخی از آن‌ها به این شرح است: در پیکره تورنگ‌تپه، ویژگی‌های متمایز مادینگی کاملاً آشکار و برجسته نشان داده شده و نسبت‌های طبیعی در آن رعایت شده است؛ درحالی‌که ونوس سراب سنگین و فربه روی زمین نشسته است. ایزدبانوی تورنگ‌تپه، با بازوان گشاده و حالتی مغرور، در برابر تماشاگر ایستاده و روی سرش زیوری زنانه، به صورت نیم‌تاج،

قرار گرفته و گردنبندی طوق مانند در گردن دارد که او را همچون ملکه‌ای مجسم می‌کند؛ درحالی‌که ونوس سراب بدون سر و با گردنی دراز نشان داده شده است [۴، ص ۱۴۲].



شکل ۲. ایزدبانوی زیبایی و حاصلخیزی از تورنگ‌تپه در نزدیکی گرگان، هزاره سوم پیش از میلاد، موزه دانشگاه فیلادلفیا



شکل ۱. پیکرک زن معروف به ونوس تپه سراب متعلق به دوران نوسنگی (هزاره ششم پیش از میلاد) در موزه ملی ایران

در بسیاری از محوطه‌های پیش از تاریخ نقاط دیگر جهان، از جمله بین‌النهرین (حسونا و حلف)، آسیای صغیر (چای اونو و حاجیلر)، و... نیز پیکرک‌های مؤنث فراوانی یافت شده است [۱۳، ص ۱۰۱] که نشان‌دهنده عمومیت داشتن این سنت در فرهنگ‌های عصر نوسنگی جهان باستان است. درباره دلایل رواج این سنت و ساخت نمونه‌های متعدد از پیکرک‌های زنان در آن ادوار، نظریه‌های مختلفی مانند نظام زن‌سالار یا مادرسالار آن جوامع، پرستش مادر خدایان، ارتباط پیکرک‌های مؤنث با رونق کشاورزی و حاصلخیزی زمین، ابزاری جهت پرستش اجداد و ارواح مردگان، و... مطرح شده است [۵، ص ۱۰۸].

پس از سپری شدن اعصار پیش از تاریخ و ورود انسان به دوران تاریخی، ساخت پیکرک‌های سفالی مؤنث در نقاط مختلف جهان، از جمله در ایران، بنا به دلایل مختلف از رونق افتاد. هرچند در دوره اشکانی تعداد درخور توجهی پیکره از افراد طبقات عادی جامعه (از جمله زنان) تحت تأثیر هنر هلنیسم یونانی با گرایش طبیعت‌گرایانه به دست آمده است [۸، ص ۱۸-۱۹]، به لحاظ اهداف و ویژگی‌های ساخت با پیکرک‌های سفالی زنان در مقطع پیش از تاریخ کاملاً متفاوت است.

## پیکرک‌های سفالی در دوران اسلامی

وضعیت ساخت پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی را باید در قالب کلی هنر پیکرک‌سازی اسلامی بررسی کرد، زیرا هنر پیکرک‌سازی طی این دوران تفاوت‌های کلی و اساسی با ادوار قبلی دارد که به تبع پیکرک‌های سفالی زنان نیز از آن مستثنا نیست. علاوه بر

این دیدگاه‌های خاص، احکام اسلامی نیز وضعیت خاصی را برای آفرینش هنری در قلمرو جنس مؤنث پدید آورد که به نوعی مزید بر علت شد. بنابراین، خلق پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی بیانگر رفع دو محدودیت عمده درباره پیکرک‌سازی و کاربرد نقش جنس مؤنث است که شناخت دلایل رفع‌کننده این محدودیت‌ها جالب توجه و درخور پژوهش است.

اصولاً پیکرک‌سازی یا مجسمه‌سازی در هنر دوران اسلامی همواره جایگاهی بحث‌برانگیز داشته و این به علت نگرش ویژه احکام اسلام و اخبار مربوط به سده‌های نخستین ظهور اسلام درباره پرداختن به تصویر است.<sup>۱</sup> البته همواره در کنار این نگرش ویژه، باید تأثیر حکومت‌ها، قوانین و سیاست‌های خاص آن‌ها، و نیز سنت‌های بومی و آموخته‌های کهن فرهنگی جوامع مختلف اسلامی، از جمله ایران، را مدنظر قرار داد. به طوری که پایایی و تداوم سنت‌های خاص ایرانی، به‌منزله کشوری با فرهنگ سنت‌گرا، موجب تشابهات کلی هنر مجسمه‌سازی در همه ادوار تاریخی پیش و پس از اسلام شده است. وجود این تفکرات و دیدگاه‌ها، قوانین، سیاست‌ها، و سنت‌های ملی موجب شده هنر مجسمه‌سازی در دوران اسلامی ایران به‌منزله هنری کاربردی و تزیینی ارائه شود و عمدتاً حضوری غیرمستقل یابد.

پس از ظهور اسلام و سقوط ساسانیان، مجسمه‌ها و ظروف سفالی تا مدت‌ها تحت‌تأثیر شیوه‌های هنری گذشته قرار داشت؛ از جمله در ناحیه اطراف دریای خزر که روش و سنت هنر ساسانی به شیوه مقدم به کار می‌رفته است. در بقیه کشورهای اسلامی نیز از این روش برای ساخت ظروف و مجسمه‌های سفالی و لعاب‌دادن به آن‌ها استفاده می‌شده است. هنر مجسمه‌سازی در سفالگری ایرانی در انواع ظروف و تحف از قبیل جام، تنگ، فنجان، شمعدان، عودسوز، چراغ، بخوردان، و حتی جعبه حیات می‌یابد. از این نمونه سفال‌ها در شهرهای ری، جرجان، و نیشابور به‌دست آمده است. در قرن سوم هجری، این هنر پیشرفت بیشتری کرد و در سمرقند و نیشابور آثار بسیار مرغوبی به‌وجود آمد. تا جایی که در همه ادوار بعد، هیچ‌یک از مجسمه‌های سفالی (کاربردی یا تزیینی) دوران اسلام، از حیث قدرت و زیبایی به پای آثار نیشابور و سمرقند نمی‌رسد.

در میان حکومت‌های مهم ایرانی پس از اسلام، سلجوقیان یکی از سلسله‌های بسیار تأثیرگذار است؛ سلسله‌ای با همت بلند، که این همت بلند در هنرها و علوم که پروراندند و حمایت کردند جلوه‌گری می‌کند. در این زمان، در دربار اکثر امرا، فعالیت‌های هنری بسیاری انجام می‌شد. سلجوقیان، در زمان سیادت و برتری خود، به تزیینات تمثیلی زنده میل عجیبی داشتند که تا حد زیادی در طرح‌های خاص مجسمه‌ها در آن زمان مؤثر بود. در این دوره، ساخت ظروف مزین به نقوش حیوانی و انسانی، البته با صورتی زیباتر و با کمیتی بیشتر از قبل،

۱. البته بنا بر نظر فقها، تحریم مجسمه‌سازی در اسلام امری فراگیر نبوده و تحریم کردن یا نکردن آن منوط به کاربرد آیینی (بت‌پرستی یا احتمال آن) است [۸، ص ۵].

رایج بود. در این اشکال، دو ویژگی و عامل مهم قابل بررسی است: یکی ادامه سنن آفرینش حجمی ساسانیان، به خصوص استفاده از موتیف‌های فلزکاری در این دوره، و دیگری تأثیر ادبیات و داستان‌های ملی بر هنر سفالگری که حتی بیش از مورد اول شایان توجه است [۸، ص ۲۳-۳۵].

در این دوره، مراکز متعدد هنری در شهرهای مختلف، از جمله ری، ایجاد شدند که مجسمه‌های سفالینی می‌ساختند و آن‌ها را با لعاب درخشان فیروزه‌ای می‌پوشاندند. همچنین، دسته کوچکی از مجسمه‌ها از جمله آثار سفالی زیبا و در برخی موارد پیچیده زرین‌فام این دوره است. دامنه وسیعی از انواع مختلف این مجسمه‌ها موجود است، اما رایج‌ترین آن‌ها نمونه‌های کوچکی به شکل حیوانات مختلف از جمله شیر و گاو است [۹، ص ۱۵۷].

تحول و پیشرفت این پیکرک‌های لعابی، پس از دوره سلجوقی، در دوره خوارزمشاهی<sup>۱</sup> نیز تداوم می‌یابد. هم‌زمان با این دوران، هنر چین به ایران صادر شد و سفالگران از نظر تکنیکی بنیان تحولی نوین در هنر سفالگری ایرانی شدند. آن‌ها برای تهیه خمیر سفالگری مشابه خمیر ظروف ساخت چین، خمیر شیشه و خاکستر را به گل نرم اضافه می‌کردند که نتیجه آن مجسمه‌هایی با بدنه‌های ظریف‌تر و درخشان‌تر بود. در این دوره، در شهر کاشان نیز مجسمه‌های سفالینی ساخته می‌شد که سبک خاصی داشت و با لعاب زرین‌فام و نقوش عموماً متراکم و تصاویر انسان با صوت گرد مغولی و چشمان بادامی و... تزیین می‌شد [۸، ص ۳۷-۳۹].

هرچند حمله مغولان به ایران در قرن هفتم ه.ق موجب وارد آمدن ضربه‌ای سهمگین بر پیکر فرهنگ و هنر ایران و توقف فعالیت‌های هنری و معماری شد [۱، ص ۱۵۸]، به تدریج حکمرانان مغول عمیقاً تحت تأثیر میراث هنری ایرانی-اسلامی، که قبل از حمله آنان به سرحد کمال رسیده بود، قرار گرفتند و با پذیرش دین اسلام به تشویق و ترویج هنرهای اسلامی پرداختند.

طی این دوره، هنر سفالگری کامل شد و هنرمندان ظروف را با روش‌های مختلفی تزیین می‌کردند. آن‌ها در به کار بردن تصاویر انسانی و حیوانی نیز پیشرفت درخور توجهی داشتند و گاهی از اشکال و سبک‌های چینی اقتباس می‌کردند. در این دوره، غیر از ظروف، تعداد زیادی از مجسمه‌های حیوانات و پرندگان و اشخاصی در وضعیت نشسته نیز ساخته می‌شدند. به‌طور کلی، در دو شهر ری و کاشان، موضوع تزیینات برجسته و مشبک عبارت است از حیوانات و پرندگان و قطعه‌هایی به شکل خانه که اغلب بدون سقف است و دیوارهایی با اشکال برجسته از حیوانات درنده و طاق‌های متعدد دارد [۸، ص ۴۸-۴۹].

۱. گفتنی است که با توجه به مشابهت‌های فراوان بین هنر سفالگری دوران سلجوقی و خوارزمشاهی و نیز انجام‌نشدن تحقیقات کافی برای تعیین تفاوت‌ها و تمایزات هنر سفالگری دوران خوارزمشاهی از دوران سلجوقی، پیکرک‌های سفالی ساخته‌شده در دوران مزبور را با عنوان کلی پیکرک‌های سلجوقی ذکر می‌کنیم.

پس از دوران ایلخانی، ساخت مجسمه‌های سفالین تقریباً متوقف می‌شود و فقط در دوران صفوی است که نمونه‌هایی از این مجسمه‌ها تحت تأثیر سفالگری کشور چین ساخته می‌شود. البته در ادوار زندیه و قاجاریه نیز معدودی احجام کوچک ساخته می‌شد که جنبه کاربردی داشتند و رد پای سنن هنری ادوار قبل در آن‌ها دیده می‌شود [ص ۶۵-۶۲]. در ادامه، به معرفی نمونه‌های بررسی شده خواهیم پرداخت که قطعاً اطلاعات آن‌ها کمک بزرگی به شناخت دقیق‌تر هنر پیکرک‌سازی دوران اسلامی به‌طور عام و پیکرک‌های سفالی زنان به‌طور خاص خواهد کرد.

### معرفی نمونه‌ها

پیکرک‌های سفالی زنان در ادوار سلجوقی و ایلخانی را با توجه به نمونه‌های مورد پژوهش، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو دسته پیکرک‌های طبیعی یا واقع‌گرایانه و دسته پیکرک‌های ترکیبی مرکب از سر زن با بدن پرنده یا موجود خیالی موسوم به هارپی<sup>۱</sup> تقسیم کرد که این دو دسته به لحاظ مشخصات ساخت، تزئین، کاربرد، و بعضاً دوره ساخت، متفاوت‌اند. بنابراین، در مجموع مشخصات ده عدد از این پیکرک‌ها را، که اغلب در موزه‌ها یا مجموعه‌های خصوصی خارج از کشور نگهداری می‌شوند، مطابق تقسیم‌بندی یادشده در دو دسته مجزا بررسی می‌کنیم.

### پیکرک‌های طبیعی زنان

منظور از پیکرک‌های طبیعی زنان، پیکرک‌هایی هستند که شخصیت‌هایی از زنان را در حالت‌های طبیعی و واقعی زندگی روزمره دوره ساختشان، مانند نگهداری از کودکان یا شیردادن به اطفال، نشان می‌دهند. پیکرک‌های مزبور در مجموع چهار مورد از پیکرک‌های بررسی شده را شامل می‌شوند که به ترتیب در مجموعه کریستی، موزه برلین، موزه ملی ایران، و موزه هنر لس‌آنجلس کانتی نگهداری می‌شوند. به لحاظ نوع کاربرد نیز، دو مورد از آن‌ها کاربرد تزئینی- به‌عنوان مجسمه- و دو مورد دیگر کاربرد مصرفی- به‌عنوان گلدان- دارند. در زیر، ابتدا اطلاعات کلی درباره دوره و مرکز ساخت، گونه ساخت، و تزئین به علاوه محل نگهداری آن‌ها ارائه و سپس به سایر مشخصات و جزئیات بدنی، پوششی، آرایشی، و... پرداخته می‌شود.

**نمونه ۱:** پیکره زنی به همراه فرزندش، محل ساخت: احتمالاً شهر کاشان، متعلق به دوره سلجوقی طی قرون ششم تا هفتم هجری، از دسته سفالینه بدون لعاب، واقع در بخش هنر اسلامی و سرخپوستی مجموعه کریستی لندن (شکل ۳).

۱. نام سه موجود عجیب‌الخلقه بالدار است. چهره این موجود به چهره زن، بدن او به کرکس می‌ماند، ناخن‌های برگشته دارد و مرگ و کشمکش شدید را تجسم می‌دهد [ص ۳، ذیل هارپی].

این پیکره به صورت چهارزانو نشسته و کودکی بر زانوی راست وی قرار گرفته است. برای جاگرفتن کودک، دست‌های زن به صورت فاصله‌دار روی زانو قرار گرفته و سر کودک به قسمت بالای دست راست مادر تکیه زده است. زن سرپوشی دارد که فقط قسمت بالای سر را دربر گرفته و طرفین چپ و راست سر فاقد پوشش است. دو گیس بلند بافته شده از طرفین سر به سمت پایین و پهلوهای پیکرک امتداد یافته است. پیکرک در قسمت صورت ابروان پیوندی کشیده و چشمان بادامی، بینی و دهان نسبتاً کوچک، و گونه‌های برجسته دارد. لباس زن یکپارچه و با آستین‌های کوتاه تا قسمت آرنج است و به لحاظ تزئینی کاملاً ساده و فاقد رنگ، لعاب، و یا نقش خاصی است. کودک نیز برهنه و فاقد لباس است. به لحاظ زیورآلات، زن مزبور گوشواره‌هایی در گوش و گردن‌بند فلزی دارد که آویز بزرگی در قسمت وسط آن قرار دارد. به نظر می‌رسد بازتاب شکل واقعی زن اهمیت فراوانی برای هنرمند سازنده داشته است، زیرا برجستگی شکم پیکره، که احتمالاً نشان‌دهنده فریبی یا بارداری زن مورد نظر بوده، به زیبایی هرچه تمام‌تر ارائه شده است.



شکل ۴. پیکره زن به همراه کودکش واقع در موزه برلین



شکل ۳. زن سلجوقی به همراه فرزندش واقع در مجموعه کریستی

نمونه ۲: پیکره زنی به همراه کودکش، محل ساخت: ری، متعلق به دوره سلجوقی طی قرون ششم تا هفتم هجری، از دسته سفالینه زرین‌فام یا طلایی، واقع در بخش هنر اسلامی موزه برلین (شکل ۴).

این پیکره نمایش‌دهنده زنی است که روی دوزانو نشسته و کودکش را در آغوش گرفته است. زن کلاهی تاج‌گونه بر سر دارد و گیسوانش از زیر کلاه بر روی شانه‌هایش ریخته است. صوتی گرد با ابروانی کشیده و چشمانی بادامی و بینی و دهانی کوچک دارد. لباسی بلند بر تن دارد که با نقوش مختلف تزئین شده است. کودکی که در آغوش زن است برهنه و در حال شیر خوردن با چیزی شبیه به شیشه است. برخلاف پیکره قبلی، روی لباس تزئینات مفصلی مشتمل بر نقوش گیاهی به رنگ قهوه‌ای بر زمینه کرمی‌رنگ دارد. همچنین در ارائه جزئیات



چهره، به خصوص چشم‌ها و ابروها، ظرافت بیشتری دیده می‌شود. مانند نمونه قبلی، گیسوان پیکره از دو طرف جلو سر آویزان است، اما نوع پوشش سر حالت تاج‌مانند به خود گرفته که بر روی آن هم تزیینات زیبایی کار شده است. با توجه به چنین مشخصاتی، احتمالاً پیکره ارائه‌دهنده یکی از زنان درباری دوره سلجوقی است.

**نمونه ۳:** مجسمه نشسته یک زن به صورت گلدان به رنگ قهوه‌ای کمرنگ مایل به طلایی، خمیر نخودی‌رنگ، محل کشف: گرگان، تکنیک: زرین‌فام، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دوره سلجوقی، واقع در موزه ملی ایران (شکل ۵).

این گلدان به شکل زنی است که به صورت چهارزانو نشسته و گویی چیزی شبیه به چادر بر سر دارد. گلدان پایه بیضی مسطحی دارد و همه سطح مجسمه به نقوش پرنندگان در حال پرواز و نقوش اسلیمی حلزونی با تکنیک زرین‌فام مزین شده است. سر و صورت زن نیز با چانه نوک‌تیز و گونه‌های برجسته با چشمان بادامی و ابروان کمانی و موهای بلند به همراه یک سربند ارائه شده است.



شکل ۶. پیکرک نوازنده با چنگ واقع در موزه هنر لس آنجلس کانتی



شکل ۵. گلدان به شکل زن نشسته واقع در موزه ملی ایران

**نمونه ۴:** پیکرک توخالی نوازنده با چنگ، محل ساخت: شهر کاشان، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دوره سلجوقی، از دسته سفالینه با نقاشی در زیر لعاب، واقع در موزه هنر لس آنجلس کانتی (شکل ۶).

این پیکرک توخالی، که احتمالاً به‌عنوان گلدان استفاده می‌شده است، فرد نوازنده‌ای را در حال نواختن چنگ نشان می‌دهد. این شخص کلاهی تاج‌گونه بر سر دارد و لباس بلندی بر تن. دو طره مو نیز از طرفین کلاه روی شانه‌هایش افتاده است. روی لباس او تزییناتی به شکل نقوش گیاهی به چشم می‌خورد. خطوط ابروها، تزیینات روی لباس، موهای ریخته‌شده بر شانه‌ها، خط حاشیه کلاه، و حاشیه چنگ نوازنده به رنگ قهوه‌ای تیره نقاشی شده‌اند.

## پیکرک‌های در قالب هارپی

منظو از هارپی موجود ترکیبی با سر انسان (اغلب زن) و بدن پرنده است که چهار عدد از پیکرک‌های بررسی شده را شامل می‌شود. پیکرک‌های این دسته، که در موزه‌های ملی ایران، طارق‌رجب کویت، و مجموعه دیوید کپنهاگ نگهداری می‌شوند، اغلب پایه‌های مستطیلی، مثلثی، و استوانه‌ای، پروبال‌هایی با تزیینات فراوان و تاج‌هایی روی سر دارند و احتمالاً با الهام از شیوه‌های هنری قبل از اسلام، اما با شمایل و مفاهیم متفاوت، ساخته شده‌اند.

**نمونه ۵:** پیکرک سفالی با کارکرد گلدان، در قالب هارپی، از دسته سفالینه زرین‌فام، متعلق به دوران سلجوقی، واقع در موزه ملی ایران (شکل ۷).

پیکره روی یک پایه مربعی شکل قرار گرفته و در قسمت پاها و دم (با واسطه دو پایه مجزا) به پایه مربعی متصل شده است. پیکره دارای پوششی تاج‌مانند با لبه‌های صاف روی موهایی است که از دو طرف جلو سر به شکل مرواریدبندی شده آویزان شده‌اند. پیکره همچنین تزیینات مفصلی از نقوش متنوع گیاهی و هندسی روی لباس دارد.



شکل ۸. پیکرک سفالی به شکل هارپی واقع در موزه طارق‌رجب



شکل ۷. پیکرک سفالی به شکل هارپی واقع در موزه ملی ایران

**نمونه ۶:** پیکرک سفالی به شکل هارپی، از دسته با نقاشی (سیاه) در زیر لعاب (آبی فیروزه‌ای)، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دوره سلجوقی، واقع در موزه طارق‌رجب (شکل ۸). پیکره روی یک پایه تقریباً مثلثی شکل قرار گرفته و در قسمت پاها و دم به پایه متصل شده است. پیکره تاجی دارد که لبه‌های آن در قسمت جلو بالاتر و به شکل مثلثی درآمده است. همچنین ابروان نازک و بینی و چشمان کوچک و گونه‌های برآمده دارد. در قسمت گردن، خطوط عمودی به موازات هم از بالا به پایین ترسیم شده و سایر قسمت‌های دیگر را نقوش گیاهی و شبه‌اسلیمی پرکرده است.

**نمونه ۷:** گلدان با خمیر صورتی‌رنگ، محل کشف: گرگان، از دسته سفالینه زرین‌فام، متعلق به اوایل قرن هفتم هجری برابر با دوره سلجوقی، واقع در موزه ملی ایران (شکل ۹).  
گلدان پایه بلند مقعر با شیارهای خیاری شکل دارد. دهانه آن به شکل سر انسان به همراه سربندی با لبه صاف بوده و بدنه آن شبیه بدن یک پرنده با دم بلند و برگشته حلزونی ساخته شده است. تکنیک تزیین آن به صورت زرین‌فام بوده و بدنه گلدان با نقوش گیاهی اسلیمی و خطوط موازی و فلس‌مانند و نقطه‌چین تزیین شده است. چهره زن ابروان پیوسته و خالی در پیشانی و چشمان بادامی و چانه‌ای نوک‌تیز دارد با موهایی که از فرق سر باز شده، سر بند او نیز به صورت کنگره‌ای نقش شده است.



شکل ۹. پیکرک سفالی به شکل هارپی واقع در موزه ملی ایران  
شکل ۱۰. پیکرک سفالی به شکل هارپی در مجموعه دیوید کپنهاگ

**نمونه ۸:** پیکرک خمیرشیشه‌ای به شکل هارپی، محل ساخت: شهر کاشان، از دسته زرین‌فام، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دوره سلجوقی، به ارتفاع: ۱۶/۵ و عرض ۱۵ سانتی‌متر، واقع در مجموعه دیوید در کپنهاگ (شکل ۱۰).  
قسمت پاهای پیکرک به صورت کروی شکل طراحی شده و آن را از پایه مجزا بی‌نیاز کرده است. روی بال‌ها و بدن پیکرک نقوش ریز گیاهی و هندسی به رنگ قهوه‌ای براق به کار رفته است. همچنین، پیکر کلاهی مدور با تزیینات لکه‌های بزرگ قهوه‌ای‌رنگ به شکل نیم‌دایره در قسمت لبه کلاه دارد.

### سر زنان در قالب بخشی از تزیین یا بخشی از بدنه ظروف سفالی

علاوه بر پیکرک‌های سفالی واقع‌گرایانه و هارپی‌ها، دسته‌ای از ظروف سفالین در ادوار سلجوقی و ایلخانی وجود دارد که بخشی از تزیین یا بخشی از بدنه آن‌ها در قالب سر زنان طراحی شده

است و به عبارتی قسمت اصلی پیکرک‌های سفالی زنانه، یعنی سر و چهره، را دربرمی‌گیرد. از نمونه‌های این گروه می‌توان به این موارد اشاره کرد.

**نمونه ۹:** تنگ دسته‌دار با سر زن از جنس خمیر سنگ، تزیین شده با تکنیک زرین‌فام بر روی لعاب آبی‌رنگ، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با اوایل دوره ایلخانی، واقع در موزه آشمولین (شکل ۱۱).

چهره زنی که در قسمت سر تنگ نقاشی شده است چشمانی کشیده و ابروانی کمانی با بینی و دهانی کوچک دارد و خالی نسبتاً بزرگ بر گونه راست او دیده می‌شود. همان‌گونه که استفاده از فرم کامل حیوانات در ساخت اشیاء معمول بوده، استفاده از سر انسان یا حیوانات برای دهانه پارچه‌ها و مشربه‌ها نیز متداول بوده است. احتمالاً استفاده از سر انسان به شکل زن در قسمت دهانه برای خوش‌یمن کردن ظرف بوده، یعنی همان نقشی که ابوالهول‌ها پیش از اسلام داشتند. کتیبه‌ای ناخوانا نیز به صورت تکراری بر روی ظرف نوشته شده که احتمالاً مضمون دعای خیر و برکت دارد.



شکل ۱۲. نمای نزدیک تزیینات قسمت گردن تنگ دسته‌دار



شکل ۱۱. تنگ دسته‌دار با سر زن واقع در موزه آشمولین

**نمونه ۱۰:** فنجان لعابدار با تزیینات قالبی، از دسته سفالینه لاجورد زران‌دود، محل ساخت: شهر کاشان، متعلق به اواخر قرن هفتم هجری برابر با دوره ایلخانی، واقع در موزه طارق رجب کویت.

این فنجان از آثار دوران ایلخانی است که چهره زنی به صورت قالبی و برجسته در سه طرف بر روی بدنه خارجی آن ایجاد شده است. پیکره تاجی مدور روی سر دارد که قسمتی از لبه ظرف را تشکیل می‌دهد و قسمت‌هایی از موهای پیکره به زیبایی تمام از زیر تاج نمایان شده است. همچنین پیکره فاقد دهان است و چشمان بادامی با ابروان متراکم دارد که به طرف پایین و روی بینی امتداد یافته است (شکل ۱۳).



شکل ۱۴. نمای نزدیک تزیینات قالبی بدنه فنجان لعابدان به شکل صورت زن



شکل ۱۳. فنجان لعابدان با تزیینات قالبی به شکل صورت زن واقع در موزه طاررجب

## بحث و تحلیل

همان‌گونه که دیدید، دسته پیکرک‌های طبیعی اغلب بازتاب‌دهنده وظایف خاص زنان مانند بچه‌داری یا فرزندپروری است و شاید بتوان ساخت آن‌ها را نشان‌دهنده اهمیت این نقش در آن دوران محسوب کرد، زیرا می‌دانیم که تعداد نفرات بیشتر در ادوار گذشته به معنای قدرت بیشتر و به تبع آن مزیت‌های سیاسی، نظامی، و اقتصادی بیشتر در مقایسه با قبایل یا طوایف کوچک‌تر بوده است. از این حیث می‌توان تشابهی بین آن‌ها با پیکرک‌های گلی و سفالی زنان در دوران پیش از تاریخ برقرار کرد، زیرا در هر دو دسته، ساخت پیکرک‌ها با تولید و پرورش نسل بعدی سروکار دارد و اهمیت نقش زنان را در این امر یادآور می‌شود. با توجه به این واقعیت که پیکرک‌های مزبور اغلب طی ادوار سلجوقی و ایلخانی ساخته شده‌اند، که نظام سیاسی و نظامی آن‌ها برخلاف ایرانیان شهرنشین بر طایفه و قبیله استوار بوده، لزوم و اهمیت ساخت آن‌ها بیشتر نمایان می‌شود.

پیکرک‌های زنان در این گروه، هم به صورت کاملاً ساده و فاقد تزیین با پوشش معمولی (شکل ۱) و هم با تزیینات فراوان همراه با تاج (شکل‌های ۴ و ۵) مشاهده می‌شوند که این تفاوت می‌تواند متأثر از تفاوت جایگاه و مقام زنان درباری با زنان سایر طبقات جامعه باشد.

ساخت برخی دیگر از پیکرک‌های این دسته را می‌توان با مفاهیم نجومی یا ادبی دوره ساخت آن‌ها مرتبط دانست. از جمله پیکره نوازنده چنگ (شکل ۶) که احتمالاً نمایانگر آزاده چنگ‌نواز در داستان بهرام و آزاده [۱۲، ج ۲، ص ۸۹۰] یا ارائه‌کننده صورت فلکی زهره یا ناهید به‌عنوان چنگ‌نواز و خنیاگر فلک است [۳، ذیل واژه ناهید].

اما در پیکرک‌های سفالی زنان، که به شکل هارپی ساخته شده‌اند، می‌توان تأثیر سنت‌های

هنری ادوار قبل از اسلام یا برخی مفاهیم مذهبی دوران اسلامی را مؤثر دانست. به لحاظ منشأشناسی، موضوع ترکیبی زن- پرنده به صورت ظرف یا دسته ظرف مخصوص هنر ایران- اورارتو است و بعدها به هنر یونانی وارد شده است. جانور ترکیبی مزبور در هنر یونانی و اورارتویی به عنوان نشانه مراسم به خاکسپاری مردگان، که روح مردگان را به دنیای دیگر می برد، دیده می شود [۷، ص ۳۳۸].

با وجود سابقه کهن ایران در ایجاد و کاربرد این نقش، به نظر می رسد در هنر ایران، به خصوص طی دوران تاریخی، نقش مزبور چندان مورد اقبال نبوده است؛ به طوری که نمونه های زیادی از آن بر جای نمانده است. اما برخلاف دوران تاریخی، نمونه های متعددی از جانوران ترکیبی با سر انسان و بدن پرندهگان در هنرهای مختلف اسلامی ایران، از جمله در هنر سفالگری، برجای مانده است. از نمونه های متداول کاربرد نقش هارپی می توان به هارپی های زوجی که به صورت قرینه و پشت به هم کرده در اطراف یک نقش گیاهی یا باند کتیبه های طراحی شده اند اشاره کرد. این نقوش معمولاً جنسیت مؤنث با هاله ای بر گرد سر و صورت هایی زیبا با اندامی ظریف در زمینه نقوش اسلیمی دارند و معمولاً در ظروف زرین فام ادوار سلجوقی و اوایل ایلخانی مشاهده می شوند.

دقت به ترکیب سر انسان، به عنوان جایگاه قرارگیری مغز و به تبع اندیشه بشری، با بدن پرنده، که مهم ترین شاخص آن بال و پرواز است، می تواند در تفسیر صحیح تر این جانور، مفید و رهنمون باشد. پرنده در بیشتر فرهنگ های بشری، نماد گسترده روح است؛ به ویژه هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می کند. همچنین پرنده های بلند پرواز به طور گسترده ای با خدایان خورشید همراه اند [۱۰، ص ۳۹-۶۰]. بنابراین، مهم ترین عاملی که باعث ایجاد این موقعیت نمادین برای پرنده شده بال های اوست که در نقوش هارپی، بشر دوپا آن ها را از پرنده وام گرفته است.

اما بال روی بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت محسوب می شود. همچنین هنگامی که بال مربوط به پیام آوران و خدایان و بادهای می شود، دلالت بر سرعت و تندی دارد و ممکن است حاکی از گذر سریع عمر باشد. وامگیری از بال پرندهگان در هنر جهان و ایران، به خصوص جهت ارائه خدایان (هرچند خدایان خواه به صورت انسان خواه به صورت حیوان به ندرت بال دارند) سابقه طولانی دارد که به احتمال فراوان از خاورمیانه به مناطق دیگر جهان رسیده است. از نمونه های این خدایان می توان به لاکشمی (دیوی)، گارودا (عقاب- خدا) و سوریا (خورشید- خدا) در هند، و لی کونگ (خدای تندر) در چین اشاره کرد [۱۰، ص ۳۰].

نقش انسان های بالدار در فرهنگ ایران نیز قدمت بسیار طولانی دارد که مهم ترین نمونه های آن در هنر هخامنشی و در قالب نقش فرّوهر نمایان شده است. می توان گفت هنرمندان ایرانی با اضافه کردن دو بال بر دوش یک نقش انسانی، آن را به موجودی ملکوتی و آسمانی تبدیل کرده اند. اما از بُعد مفاهیم مذهبی دوران اسلامی، نقش پرنده با سر زن را می توان نمادی از فرشته یا

پری دانست. بنابر تعریف، «پری یا فرشته موجود متوهم صاحب پر است که اصلش از آتش است و به چشم نمی‌آید و غالباً نیکوکار است، به عکسِ دیو که بدکار باشد. مقابل دیو. نوعی از زنان جن که نهایت خوبرو باشند» [۳، ذیل واژه پری]. همچنین، در تعریف دیگری که از مترادف عربی این واژه، یعنی مَلک صورت گرفته، آن را به‌عنوان «جسم لطیف نورانی که به اشکال گوناگون متشکل می‌شود» [۳، ذیل واژه مَلک] توصیف کرده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، خصوصیتی چون صاحب پر بودن و خوبروبودن این موجودات و تجسم به اشکال گوناگون از جمله پرنده با پیکرک‌های هارپی سفالی مطابقت می‌کند.

### نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نتایج حاصل از نمونه‌های بررسی‌شده، می‌توان گفت دوره سلجوقی، از قرن پنجم تا هفتم هجری، مهم‌ترین دوره ساخت پیکرک‌های سفالین زنان دوران اسلامی ایران است که پیامد تحولات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ورود ترکان سلجوقی به ایران است. پس از این دوره، طی دوران ایلخانی نیز این سنت کم‌وبیش تداوم یافته، البته با این تفاوت که به جای ساخت پیکرک‌های کامل و مستقل، بخشی از تزیین یا بخشی از بدنه ظروف سفالی در قالب چهره زنان ایجاد می‌شد.





درباره مهم‌ترین مراکز ساخت این پیکرک‌ها می‌توان از شهرهای جرجان و کاشان نام برد که در این میان هنرمندان سفالگر شهر کاشان، با توجه به سابقه غنی سفالگری خود، تعداد زیادی از نمونه‌های بی‌نظیر پیکرک‌های زنان را خلق کرده‌اند.

از مهم‌ترین منابع الهام‌بخش ساخت پیکرک‌های سفالی مزبور نیز می‌توان به سنت‌های هنری پیش از اسلام در کنار برخی مفاهیم مذهبی (تجسم فرشتگان)، سیاسی (نظام قبیله‌ای حاکم)، ادبی (شخصیت‌های زن ادبیات ایران مانند آزاده)، یا علمی (صور فلکی علم نجوم مانند زهره) به دوره ساخت آن‌ها اشاره کرد. در این میان، الگوی انسان-پرنده، یا هارپی، عمده‌ترین الگوی ساخت پیکرک‌های مزبور بوده است که احتمالاً انتخاب و تداوم آن از بین الگوهای متعدد موجود پیش از اسلام، به علت تناسب بیشتر آن با جنس مؤنث و مفاهیم اسلامی، مدنظر هنرمندان سازنده بوده است.







اغلب این پیکرک‌ها با هدفی خاص و برای کاربردی معین چون گلدان، فنجان، و تنگ یا ابریق ساخته شده‌اند و البته در کنار آن برخی از نمونه‌ها احتمالاً به‌عنوان مجسمه تزیینی، کاربرد داشته‌اند. همچنین، از مهم‌ترین شیوه‌های ساخت نمونه‌ها می‌توان از تکنیک‌های زرین‌فام یا طلائی و نقاشی در زیر لعاب در کنار تکنیک لاجورد زرانود و از عمده‌ترین شیوه‌های تزیین پیکرک‌ها نیز می‌توان از نقاشی، نقش افزوده، و نقش قالبی نام برد. در پایان، از مهم‌ترین تفاوت‌های پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی با نمونه‌های گلی و

سفالی پیش از تاریخ نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که پیکرک‌های مزبور، برخلاف نمونه‌های پیش از تاریخی، به صورت برهنه و نمایش‌دهنده ویژگی‌های جنسیتی و اندام‌های جنسی نیستند، بلکه در قالب کاملاً پوشیده طراحی و ساخته شده‌اند. به عبارت دیگر، در ساخت پیکرک‌های مزبور، تأکید بر نقش‌ها و کارکردهای زنان در کنار ابعاد زیبایی‌شناختی آن‌ها بوده است.

جدول ۱. مقایسه پیکرک‌ها

محل نگهداری	شکل	منشأ	کاربرد	شیوه ساخت	دوره ساخت	مرکز ساخت
مجموعه کریستی		زن نقشسته نظام طایفه‌ای ترکان سلجوقی	احتمالاً مجسمه تزئینی	سفالینه بدون لعاب	دوران سلجوقی	احتمالاً شهر کاشان
موزه برلین		زن نقشسته نظام طایفه‌ای ترکان سلجوقی	احتمالاً مجسمه تزئینی	سفالینه زربین قام	دوران سلجوقی	شهرری
موزه ملی ایران		زن نقشسته نظام طایفه‌ای ترکان سلجوقی	احتمالاً مجسمه تزئینی	سفالینه زربین قام	دوران سلجوقی	شهر گرگان
موزه هنر لس آنجلس کانتی		زن نوازنده با چنگ احتمالاً آزاده یا صورت فلکی زهره	احتمالاً مجسمه تزئینی	سفالینه نقاشی زیر لعاب	دوران سلجوقی	شهر کاشان



					
هاری	هاری	هاری	هاری	سوزن	سوزن
سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنت‌های پیش از اسلام	نآوری دوران اسلامی
گلدان	گلدان	گلدان	گلدان	تینگ دسته‌دار یا ابریق	فتجان
زرین‌قام	سفالینه نقاشی زیر لعاب	سفالینه زرین‌قام	سفالینه زرین‌قام	سفالینه زرین‌قام	سفالینه لاجوردی زانود
دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران ایلخانی	دوران ایلخانی
نامعلوم	نامعلوم	شهر گرگان	شهر کاشان	نامعلوم	شهر کاشان
موزه ملی ایران	موزه طاروق‌رحب	موزه ملی ایران	مجموعه دیوید در کپنهاک	موزه آشمولین	موزه طاروق‌رحب

## منابع

- [۱] احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲). *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران*، تهران: علمی فرهنگی.
- [۲] خانی، شهین؛ ذکری، امیرحسین (۱۳۸۱). «تجلی زن ازلی در هنرهای اساطیری و دینی»، فصلنامه هنرنامه، ش ۷، ص ۷.
- [۳] دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، دوره جدید، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- [۴] رفیعی، لیلا (۱۳۷۸). *سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*، تهران: یساولی.
- [۵] فیروزمندی، بهمن؛ کزازی، سیده ماندانا (۱۳۸۹). «جایگاه زن در پیش از تاریخ: مطالعه موردی پیکرک‌های محوطه حاجیلار»، فصلنامه علمی- پژوهشی زن در فرهنگ و هنر، دوره ۲، ش ۱، ص ۸۹-۱۱۱.
- [۶] کنی، جان.ب. (۱۳۷۳). *مجسمه‌های سفالین*، ترجمه یوسف کیوان شکوهی، تهران: فرهنگان.
- [۷] گریشمن، رمان (۱۳۷۱). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۸] موسوی خامنه، زهرا (۱۳۸۶). *مجسمه‌سازی (برگرفته از صنایع دستی)*، تهران: سمت.
- [۹] واتسون، الیور (۱۳۸۲). *سفال زرین‌فام ایرانی*، ترجمه شکوه ذاکری، تهران: سروش.
- [۱۰] هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- [۱۱] یانگ، کایلر، و دیگران (۱۳۸۵). *ایران باستان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

[12] Encyclopaedia Iranica, s.v. (1977). "Bahram. I: In old and Middle Iranian texts" (by G. Gnoli); Arthur Pope, A survey of Persian art, Tehran.

[13] Mellaart. James (1975). *The Neolithic of the Near East*, London.